

### متن پرسش

سلام: اگر به جای حقیقت جویی لذت بردن از پدیدار را جایگزین کنیم رنج هستی کاسته نخواهد شد؟ با این توضیح که اگر کسی مشغول دیدن فیلمی به خصوص هالیوودی باشد و به جای لذت بردن از فیلم دغدغه این را داشته باشد آیا فلان صحنه ی فیلم در واقعیت هم رخ داده است یا نه مسلم است که با این پیشرفت های فناوری سینما و رایانه و هوش مصنوعی و جلوه های ویژه و ... چقدر کار تفکیک حقیقت و حقیقت نما برایش سخت خواهد بود. مورد دیگر در شهر بازی سوار وسیله ای بودم بیرون پیدا نبود یک جا احساس کردم کیلومترها به سمت بالا در حال حرکتیم ولی خوب ساختمانی که آن وسیله در آن بود چند متر بیشتر ارتفاع نداشت و کلا از خطاهای حواس استفاده می کردند و بنده بنا را برین گذاشتم که اتفاقاتی که در طول آن برنامه پیش می آید را حمل بر واقعیت نکنم و می شود احساس کرد در حال پرواز به سوی آسمانی در حالیکه در واقعیت چنین نباشد همچنین احساسات و ادراکاتی که آدمی دارد تماما ممکن است منطبق بر واقعیت نباشد اما شاید مهم نباشد ما می توانیم از سبب لذت ببریم بدون اینکه سببی در کار باشد حتی اگر اهریمن شروری که دکارت مطرح نمود نیز باشد که قاعدتا تواناست اندیشه را نیز دستخوش تغییر کند اهمیتی ندارد. من لذت می برم چه جای اهمیت که حتی باشم یا نباشم و چه لزومی دارد به جای لذت بردن، رنج حقیقت جویی را بر رنج های بی شمار هستی اضافه کنم؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این نوعی مشغول شدن با توهمات است که به هر حال وقتی انسان به خود آید، چه در دنیا و چه در قیامت؛ می یابد که چه اندازه از حضور حقیقی ابدی اش فاصله دارد. البته این غیر از آن است که انسان در زندگی رخصت بازی کردن و تفریح کردن نیز دارد ولی نباید بازی را جدی بگیرد و زندگی را در محدوده بازی و توهمات شکل دهد. موفق باشید